

پیش‌خواب

مشئی سیاسی «صاحب عروه»

در آیینه یک اثر پژوهشی

اندیشه‌های «فراتر از روش آزمون و خطا»

■ **محمدضا کاتبینی**



زنده‌یاد استاد علی ابوالحسنی (منذر) - که روزهای آینده مصادف با سالروز ارتحال اوست- در باب «مشروع‌ه پژوهی» و البته در نگاهی کلان‌تر «مشروطه پژوهی»، آثاری گران از خویش بر جای نهاد که اثری که هم‌اینک به شما معرفی می‌شود، در زمره آنهاست. وی در «فراتر از روش آزمون و خطا» سیره سیاسی آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدکاظم یزدی را به بسط‌نشسته و نسبت‌وی بامشروطیت ایران را تبیین کرده است. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ناشر این اثر، در بخشی از دیباچه خود بر این پژوهش میسوط، در باب محتوای آن چنین آورده است: «آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، معروف به «سید» و «صاحب عروه» مرجع عام تشیع در عصر قاجار و مشروطیت بود. (۱۳۳۷- ۱۲۵۳) او با فتاوا و اعلامیه‌های متعدد در جنگ جهانی اول بر ضد متجاوزان روسی، انگلیسی و ایتالیایی، به‌طور جدی گام در فعالیت‌های سیاسی گذاشت و در صدر مشروطه، حمایت از مجلس را مشروط به مصوبات شرعی آن دانست. وی مخالف مشروطه وارداتی و سکولار بود، نه مشروطه صحیح. منظور از مشروطه وارداتی، مشروطه‌ای است که تمام مضامین و الگورنیم‌های آن از جوامعی با باورهای متضاد با ارزش‌های اسلامی- ایرانی‌کپی‌برداری شده باشد. ایشان با ژرف اندیشی ضمن موافقت با مشروطه صحیح، مخالف جناح سکولار مشروطه نظری تفتی زاده‌ها بود. وی با آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در جریان مشروطه، همسو بود و از او حمایت می‌کرد. رفتار وی در جنبش مشروطیت ایران، به معنای واقعی کلمه فراتر از روش آزمون

■ **معمومه محر می**

آنچه پیش‌رو دارید، روایتی است از حاشیه و متن **قیام تاریخی ۲۹بهمن ۱۳۵۶** تیریز که هم‌اینک در سالروز آن قرار داریم. این رویداد جزئی مهم از زنجیره از برعین‌هایی بود که نهایتاً به سقوط سلسله پهلوی منتهی گشت.امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■■■

■ **آذربایجان، منشأ تحولات تاریخی ایران**
آذربایجان منشأ و سرراغ بسیاری از تحولات سرنوشت‌ساز در تاریخ سرزمین ایران بوده است. این ویژگی خصوصاً در قرن پیشین برجسته‌تر بوده و هر چه به انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم، این تأثیرگذاری و تعیین‌کنندگی ملموس‌تر می‌شود. جایگاه آذربایجان در حکومت صفویه و جنگ‌های بین ایران با امپراتوری عثمانی، همچنین نقش این خطه‌از خاک ایران در جنگ‌های بین ایران و روس به رهبری عباس‌میرزا و برجستگی آن در نهضت مشروطه به رهبری ستارخان و باقرخان، نمونه‌هایی از تاریخ‌سازی مردمان این دیار است.قیام ۲۹ بهمن۱۳۵۶ مردم تبریز در سالگرد چهل‌م قیام مردم قم علیه نظام ستمشاهی پهلوی - که آغازگر چهل‌م‌های سلسله‌ها در سراسر ایران بود- را بی‌شک می‌توان از کلیدی‌ترین وقایع منجر به انقلاب اسلامی ایران دانست.

■ **جرقه‌های قیام ۲۹بهمن تبریز**

سال ۱۳۵۶، سال شتاب حرکت اسلامی مردم ایران بود. باروی کار آمدن کارتر و تغییر معادلات فراسوی مرزها، با نفوذی که امریکایی‌ها بر رژیم پهلوی داشتند، شاه را وادار کردند که خواسته‌های آنها را بپذیرد. سیاست فریبنده کار تر، ایجاد فضا باز سیاسی در کشور‌های زیر نفوذ آنان بود. در شرایطی که فضای باز سیاسی، زمینه برخی اعتراضات را فراهم آورد بود، شهادت آیت‌الله حاج سیدمصطفی خمینی اوضاع عمومی را برای ابراز خشم وانزجار عمومی مهیا ساخت. در ۱۲ آبان۱۳۵۶ از طرف آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی با مجلس‌داری مرحوم حاج مهدی قهمیمی و در مسجد آیت‌الله بادکوبه‌ای، مجلس بزرگداشتی از ساعت ۲ تا۶بعدازظهر منعقد شد. حضور گسترده مردم تبریز در این مراسم بزرگداشت، قوت قلبی برای آقای قاضی و مبارزان مسلمان بود و نشان از این داشت که مردم بدون توجه به فشارهای رژیم در پی ابراز مخالفت خود با حکومت هستند.نقش دانشجویان - که همراه همیشگی آیت‌الله‌قاضی بودند- در این روز بسیار جالب توجه بود. آنها اعلامیه‌های ضد رژیم را در آن مجلس پخش کردند و شب تعدادی از آنها به اتهام پخش اعلامیه دستگیر شدند.^(۱)

■ **تبریز در آستانه قیام**

به مناسبت بزرگداشت چهل‌م‌شدهای قم برخی از علما و



باز خوانی زمینه‌ها و پیامدهای قیام تاریخی ۲۹بهمن ۱۳۵۶ تبریز

شهر به مدت ۷ ساعت آزاد شد!

روحانیون این شهر اعلامیه‌هایی منتشر کرده واز مردم خواستند اعتراضات خود را به صورت سراسری، در ۲۹ بهمن اعلام کنند. با تلاش آیت‌الله قاضی طباطبایی روز پنج‌شنبه ۲۷بهمن اعلامیه‌ای به امضای ۱۱ تن از علما و روحانیون من‌جمله: آیت‌الله قاضی، آیت‌الله غروی، آیت‌الله قرنجی‌های و آیت‌الله‌نجفی و... صادر شد.

این اعلامیه از مردم تبریز می‌خواست روز شنبه ضمن تعطیل عمومی، از ساعت ۱۰ الی ۱۲ صبح در مسجد حاجی میرزا یوسف، برای سوگواری حضور یابند. تمام اقشار مختلف مردم، کارگران،بازاریان و دانشجویان تدارک برگزاری چهل‌م‌شدهای قم بودند. در تقابل با فراخوان اعلامیه توسط روحانیون انقلابی «سیدکاظم شریعتمداری» طی اعلامیه‌ای مردم را در سکوت و آرامش دعوت کرد و نوشت: «هرگونه اظهار تشنج و تظاهرات زاینبار جایز نیست، لذا با تشکر از احساسات حقیقی مردم آذربایجان خصوصاً تبریز لازم‌است عموم مردم از این ساعت در منزل خود باشند و از فردا بازار را باز و مشغول زندگی آرام خود باشند.»^(۲) ساواک از این اعلامیه، استفاده مورد نظر خود را کرده و با پخش آن در تمامی شهر تبریز، سعی در آرام کردن اوضاع داشت.

■ **تبریز حماسه می‌آفریند**

طلوع خورشید روز سرد زمستانی شنبه ۲۹بهمن خیر از خرداد عظیمی داشت. همه چیز مهیای آن بود تا نام تبریز دوباره با عظمت در تاریخ ثبت شود. صبح روز شنبه ۲۹بهمن، مردم تبریز برای برگزاری مراسم به طرف بازار حرکت کردند. عده‌ای از دانشجویان و مردم در مقابل مسجد گرد آمده بودند و اعلامیه مراسم «چهل‌م‌شدهای قم» را - که به در دیوار زده بودند- مطالعه می‌کردند. دوره امتحان دانشجویان فراز رسیده بود، با این وجود اهتمام بیشتر دانشجویان مسلمان به برپایی مراسم چهل‌م‌شدهای قم مشهود بود. شهر حالت نیمه تعطیل پیدا کرده بود و مغازه‌ها بسته بودند.

ساعت ۹ صبح، مردم جهت شرکت در مراسم اربعین در مقابل مسجد تجمع کردند. هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شد و آنان منتظر شروع برنامه بودند. «مشهدی محمد عرفان» خادم مسجد دستور داشت که به این حال «سرگرد حق شناس» رئیس او را در جریان این مراسم گذاشته بود، اما اونیز که حوالی ساعت ۹ به مقابل مسجد رسید، با اجتماع مردم وماعت نیروهای کلاتری بازار برای باز کردن مسجد مواجه شد! در این حال «سرگرد حق شناس» رئیس کلاتری ناحیه۶ تبریز، دستور داد در مسجد را ببندند! او هنگامی که مجدداً به آن محل مراجعه کرد، دیده بود مردم همچنان در حال رفت و آمدند! این بار با لحن اهانت آمیزی گفت: «مگر من نگفته بودم در این طوله را ببندید!» مردم غیور که تاب تحمل اهانت به مسجد را نداشتند، حرکت او را بی‌جواب نگذاشتند. جوانی به نام

«محمد تجلا» از میام جمعیت برخاست و در اعتراض به توہین سرگرد حق شناس^(۳) سیلی محکمی می‌او نواخت و حق شناس نیز با شلیک گلوله به سینه «محمد تجلا» خروش مردم را - که زیر خاکستر اختناق دفن شده بود- شعله‌ور کرد!

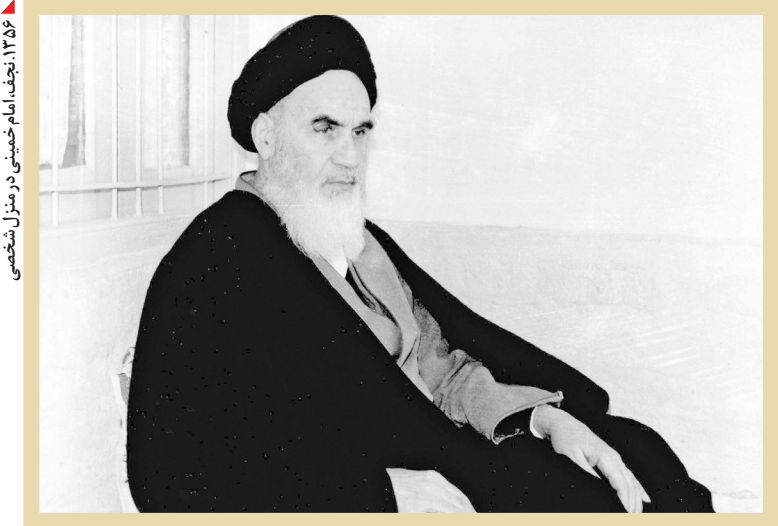
■ **آغاز حرکت مردم با پیکر شهید محمد تجلا**

مردم جنازه شهید «تجلا» را بالای دست گرفته و با فریاد «لا اله الا الله...» از مقابل مسجد قرلی شروع به حرکت کردند. هر لحظه به تعداد جمعیت افزوده می‌شد. حرکت مردم به سمت مرکز شهر آغاز شد. جوانان پرشور و انقلابی با آتش زدن سینماها، مشروب‌فروشی‌ها و مقر حزب رستاخیز و بانک صادرات - که در اختیار بهایی‌ها بود- خشم خود را نسبت به رژیم بروز داده و با شاعر «مرگ بر شاه» و «رود بر خمینی» که تا قبل از واقعه ۲۹بهمن، به صورت علنی سر داده نمی‌شد، خط قرمزها را شکستند! تمام شهر دست به تظاهرات زد و نیروهای شهرپانی، تاب و توان هیچ گونه مقابله‌ای را نداشتند. مردم در داخل بانک‌ها، عکس‌های شاه را که بر دیوارها زده بودند، به پایین انداخته و زیر پا لگد کرده و می‌شکستند! شعارهای مردم بسیار جالب بود: «یاشاسین خمینی (زنده باد خمینی)»، «صلوات»، «مرگ بر دیکتاتور» و...^(۴) شاه‌ی ایسته مورخ والسلام (این شاه را نمی‌خواهیم والسلام)» و با وجود قهرامیز بودن قیام مردم، نظم، خاصی بر حرکت توفنده مردم حاکم بود.

■ **هوشمندی عمومی مردم در تظاهرات**

■ **۲۹بهمن**

با دقت در فهرست اماکنی که در روز ۲۹بهمن ۵۶مورد حمله تظاهر کنندگان قرار گرفت، می‌توان به این نتیجه رسید که اماکن خصمی و مردمی مورد هجوم مردم قرار گرفت و هدف آنان صرفاًانهدام نمادهای حاکمیت بود. دانشجویان دانشگاه تبریز در برخی از نقاط، رهبری تظاهرات و ترغیب مردم را برای تهاجم به اماکنی همچون: سینماها، مشروب‌فروشی‌ها، ساختمان حزب رستاخیز و بانک صادرات بهائیان، به عهده داشتند. هم آنان مراقب بودند تا اموال عمومی و مردم، از خشم سرازیر شده تظاهر کنندگان در امان بمانند. به گفته شاهدان عینی مردم رغبتی به پول بانک‌ها نداشتند. در آن مقطع اسکناس هزار تومانی با عکس شاه، تازه چاپ شده بود که آنها را آتش زدند، اما مردم هرگز به پول‌ها دست نزدند! آن روز تمام مغازه‌ها بسته بودند، ولی بانک‌ها، سینماها و هر جای دیگری که باز بود، به منزله این بود که از رژیم حمایت کرده‌اند و هدف مردم این بود - که از مظاهر دولتی و حمایت‌کنندگان از آن انتقام بگیرند. جوادی از مأموران ساواک، درباره این موضوع چنین اظهار نظر کرد: «در واقعه ۲۹بهمن، موضوع دیگری جلب توجه نمود و آن عدم ایراد کوچک‌ترین خسارت به



۱۳۵۶بهمن،تقی‌امام خمینی در منزل شخصی

درد

مردم پیکر شهید محمد تجلا را بالای دست گرفته و با فریاد لاله الا الله، از مقابل مسجد قرلی شروع به حرکت کردند. هر لحظه به تعداد جمعیت افزوده می‌شد.

جوانان پر شور و انقلابی، با آتش زدن سینماها، مشروب‌فروشی‌ها، مقر حزب رستاخیز و ... خشم خود را نسبت به رژیم بروز داده و با شاعر «مرگ بر شاه» و «رود بر خمینی» - که تا قبل از واقعه ۲۹بهمن به صورت علنی سر داده نمی‌شد- خط قرمزها را شکستند!

بازار تبریز بود و این موضوع مؤید این است که بین گردانندگان تظاهرات و بازاریان، احتمالاً همفکری و ارتباطی پنهان وجود داشته‌است!^(۵) در این قیام، به هیچ مدرسه یا مرکز فرهنگی آسیبی نرسید. اتومبیل‌های مردم در کنار خیابان‌ها سالم بود، ولی وسایل نقلیه دولتی و حزبی مورد حمله قرار گرفت.

■ **عقب‌نشینی نیروهای شهرپانی**

از همان ساعت نخست حرکت مردم، نیروهای شهرپانی از مقابل مردم گریختند و به داخل کلاتری‌ها پناه بردند. غیر از وحشت حاکم بر این نیروها، امکان محاصره شدن تعدادی از کلاتری‌ها توسط مردم، بازگشت نیروهای شهرپانی را به مقر‌های خود تشدید می‌کرد و عملاً حدود ساعت ۹:۳۰ از طرف رئیس شهرپانی به مأموران مستقر در شهر دستور داده شد به کلاترهای مربوطه مراجعه و به محافظت از آنها بپردازند.^(۶)

■ **پیام شاه به مسئولان و ورود ارتش به شهر تبریز!**

در ساعت ۱۲:۳۰ با دستور محمدرضا پهلوی، ارتش وارد شهر تبریز شد! به نیروهای تابع یگان‌های تیپ برنز و گردان مراغه، دستور داده شد تا در خیابان‌های اصلی شهر مستقر شوند. همچنین برای تخلیه قدرت و به وحشت انداختن مردم بنا شد دستگاه تانک و نفربر مقابل استانداری و بانک ملی مرکزی بایستند. در پی این اقدامات، در ساعت ۱۶ جلسهای با حضور مقامات، برای رسیدگی و ارزیابی قیام تشکیل شد. با مقاومت‌هایی که در پاگان تبریز برای سرکوبی مردم صورت گرفته بود، امکان استفاده از نیروهای این پاگان برای رژیم فراهم نشد. از این‌رو از یادگان‌های شهر عقب‌نشیر، مراغه و مرند در خواست کمک کردند. آیت‌الله‌قاضی وقتی از عزیمت این نیروها اطلاع پیدا کرد، تلاش کرد دهچنان‌های مردم را کنترل کند تا امیاد! با ورود نیروهای تازه‌نفس، این قیام به یک ساعت عام عمومی تبدیل شد. تظاهرات مردم آرام شدند. آیت‌الله‌قاضی ساعت ۱۷:۳۰ ادامه داشت. از ساعت ۱۸ بعدازظهر، آرامشی نسبی برقرار شد و نیروهای رژیم به وسیله جرقه‌قیل‌های ارتش، خودروهای سوخته‌ا از از خیابان‌ها جمع‌آوری کردند.

اولین واکنشی که رژیم پس از اعلام حکومت نظامی در تبریز نشان داد، آغاز موج دستگیری بعضی از مردم به ویژه دانشجویان مظنون به شرکت در قیام بود. شاه دستور داد مأمورانی که در پیش‌بینی و جلوگیری از واقعه قصور کرده‌اند، تنبیه شوند. برخی از دانشجویان دانشگاه تبریز که خود را در معرض بازداشت می‌دیدند، همان شب با فرادای روز ۲۹ بهمن از تبریز خارج شدند و به شهرهای خود گریختند و تا مدتی در خفا به سر بردند.

■ **آمار شهدا و مجروحان**

در برخی از منابع رسمی رژیم، از جمله کیهان و روزنامه رستاخیز، تعداد شهدا را شش تا ۹ مورد ذکر کرده بودند. اکثر منابع تعداد مجروحان حادثه را ۱۲۵ نفر و شهدا را ۱۴ نفر ذکر کرده‌اند و گفته شده که در بیمارستان پهلوی، ۸۷ زخمی بستری شده بودند.^(۷) بسیاری از مردم از ترس اینکه مجروحان بانک‌ها نبینند، از انتقال آنان به بیمارستان خودداری کردند. به دستور حضرت امام و توسط آیت‌الله‌قاضی طباطبایی و حجت‌الاسلام آقا‌زاده به خارج‌راه یک از شهدا و جانبازان، ۵۰ تا ۱۰۰ تومان کمک هزینه درمان پرداخت شد، چراکه مجروحان نمی‌توانستند برای مداوا به بیمارستان‌ها بروند. در مورد تعداد دستگیرندگان، آمار اوراقمی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر ذکر شده است.

■ **واکنش شاه و وابستگان به حکومت به یک قیام**

قیام ۲۹بهمن مردم تبریز زنگ خطر مجددی برای رژیم شاه بود. به دنبال این قیام، حکومت با تمام توان سعی کرد‌از هر راهی قیام مردم را خدش‌دار و نهضت را از مسیر خود منحرف کند. به همین دلیل دستگاه تبلیغاتی رژیم، قیام مردم تبریز را به مارکسیست‌های اسلامی، کمونیست‌ها و بیگانگان که خارج از مرز وارد شده‌اند، نسبت داد! شاه در ۱۸ اسفند سخنرانی تندی کرد و در آن به رهبران مذهبی حمله نمود و در قسمتی از صحبت خود گفت: «سیاست جداکنر آزادی را ادامه خواهیم داد، زیرا از کان این مملکت بر اساس انقلاب شاه و ملت، چنان قوی است که مظاهر واپسین اتحاد نامقدس سرخ و سیاه، نمی‌تواند به آن خلل وارد کند!»^(۸)

مقامات امریکایی پس از قیام تبریز در مناسبت‌های گوناگون، حمایت کامل خود را از شاه اعلام می‌کردند. از جمله ویلیام سولیوان سفیر امریکا در ایران، در مورد عدم لیاقت مردم ایران برای دادن

آزادی‌های اجتماعی اظهار تأسف کرد: «به علت آزادی‌های اجتماعی در ایران، بالطبع در وقایع اخیر تبریز، مقامات انظمایی دخالت نکرده، تا جایی که متأسفانه در تظاهرات این شهر، خسارت‌های زیادی وارد آمده‌است!»

■ **پیام رهبر انقلاب و مراجع عظام**

امام خمینی (ره) در ۸ اسفند۱۳۵۶ به مناسبت قیام ۲۹بهمن تبریز پیامی صادر کردند که آکنده از مهر و لطف ایشان به مردم غیور این شهر بود: «سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز! درود بر مردان برومند و جوانان غیرت‌مند تبریز که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد مرگ بر شاه، خط بطلان بر گزافه‌گویی‌های او کشیدند... امام خمینی (ره) در این پیام خود نه به مردم آذربایجان بلکه به مردم ایران، پیروزی نهایی را نوید می‌دهند.^(۹) آیات عظام: سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی و سیدعبدالله شیرازی در بیانیه‌های جداگانه، ضمن ابراز تأسف و تأثر شدید از ضرب و جرح و قتل عده‌ای از مردم مسلمان تبریز، دفاع از حریم اسلام را وظیفه هر فرد مسلمان دانستند و به مسئولان تذکر دادند مقابل خواسته‌های دینی و مذهبی و حقوق مشروطه ملت، نباید چنین عکس‌العملی نشان دهند.

■ **بازتاب یک قیام**

قیام گسترده مردم تبریز و قتل عام مردم این شهر، بازتاب وسیعی در سراسر ایران و محافل روحانی و غیر روحانی داشت. علاوه بر مراجع و آیات حوزه‌های علمیه، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، جنبش مسلمانان مبارز، کنفدراسیون محصلان و دانشجویان ایرانی خارج کشور نیز اعلامیه‌هایی صادر کردند. پس از قیام تبریز، دانشجویان مبارز ایرانی مقیم کشورهای اروپایی و امریکا دست به افشاکگری زدند. در امریکا جو حاکم چنان گرایش به شاه داشت که هیچ نشریه معتبری غیر از چند روزنامه محلی و کم‌تیراز، حاضر به چاپ مطلب دانشجویان نشد! با این همه روزنامه واشنگتن پست چند مقاله را به اوضاع تبریز اختصاص داد. نیویورک‌تایمز نیز ضمن صحبت از تزکی که رژیم بر داشته، در روزهای بعد تعداد کشته‌شدگان تبریز را از شش نفر به بالاتر از ۷۰ نفر رساند! دانشجویان مقیم ارتیش مقارن سفر وزیر امور خارجه ایران - که به دعوت صدر اعظم و رئیس‌جمهور ایران - به آن کشور رفته بود- در خارج از دانشگاه وین، دستست به تظاهراتی زدند و شعار خود را «حام خون در ایران» قرار دادند. آنها می‌گفتند تعداد بسیار زیادی از مردم به خصوص از شهر تبریز ضمن تظاهرات، در زد و خوردهایی که با شهرپانی صورت گرفت، کشته شده‌اند.

■ **نتایج یک قیام**

قیام ۲۹بهمن تبریز به عنوان یکی از ریشه‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. این قیام مجزا و مجرد از بیضت‌امم خمینی (ره) معنی و مفهومی ندارد. نتایج قیام تبریز فصل مشترک حرکت مردم سراسر ایران است که باعث ترویج سنت چهل‌م‌ها در کشور شد و قیام مردمی را از شهری به شهر دیگر برد. آنچه حائز اهمیت است، رودرو قرار گرفتن رژیم نه تنها با حکومت بلکه با اساس سیاسی (ره) یعنی همان چیزی که رژیم را در پیش‌بینی و ترغیب شهروندان سیاسی و مذهبی امام خمینی (ره) یعنی همان چیزی که رژیم را برای مقابله با آن به نشر مقاله توہین‌آمیز علیه امام داد، داشت. امری بود که این قیام بار دیگر آن را به رخ همگان کشید. این قیام، پوچ بودن ادعای گسترش آزادی‌های مدنی محمدرضا پهلوی و حقوق بشر «کارتر» رئیس‌جمهور وقت امریکارا بیش از پیش نشان داد.

علما و روحانیون عید سال ۱۳۵۷ را تحریم نمودند و این شعار در سراسر ایران نشین افکند: «روزی که دگرگون شود احکام خدا، عید نداریم/ روزی که هزاران نفر از طلیان زیر شکنجه/ تبتید بود رهبر شایسته ما عید نداردیم...». چهل‌م‌شدهای تبریز در شهرهای متعددی بر گزار شد، اما تظاهرات بزد برجستگی خاصی یافت. پس از این قیام، سخنرانان شرح و بسطی در خور توجه، در تمام شهرهای ایران بیان می‌کردند و بران ترتیب چهل‌م‌شدها یکی پس از دیگری به مراسم‌های اعتراض‌آمیز گسترده‌تری تبدیل می‌شد. اعتراضاتی که نظام خودکامه پهلوی را در اوضاع همگین خود در هم شکست!

پی‌نوشت‌ها:

۱- *انقلاب اسلامی به روایت استاد ساواک*، جلد اول، ص ۱۲

۲- *آیت‌الله شریعتمداری به روایت استاد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ اول ۱۳۸۸، ص ۱۰۶

۳- سرگرد مقصود حق شناس «او که در شمار افسران بدنام شهر بود، پس از تصمیم مقامات رژیم به جابه‌جایی مسئولان شهر- که به دنبال حادثه ۲۹ بهمن صورت گرفت- از تبریز به تهران منتقل شد و به معاونت کلاتری یوسف‌آباد منصوب گردید. بعد از انقلاب شناسایی و محاکمه و به‌انعام محکوم شد.

۴- *انقلاب اسلامی به روایت استاد ساواک*، جلد سوم، ص ۲۷

۵- *انقلاب اسلامی به روایت استاد ساواک*، جلد سوم، ص ۳۶

۶- *کیهان* ۱۲/۲/۱۳۵۶، ص ۲

۷- *روزنامه رستاخیز* ۹/۱۲/۱۳۵۶

۸- *صحیفه امام خمینی (ره) پیام به اهالی آذربایجان*، جلد دوم، ص ۳۶